

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

REUTERS

سفر تیم‌های موشکی روسیه به ایران

رویترز دریافته‌است که در طول یک سال گذشته بر اساس بررسی اسناد سفرها و پرونده شغلی تعدادی از کارشناسان ارشد موشکی روس به ایران سفر کرده‌اند. بر اساس این بررسی‌ها برای ۷ کارشناس تسلیحاتی روسیه در دو پرواز در روزهای ۲۴ آوریل و ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴ بلیت رزرو شده‌بود. بر اساس بررسی شماره پاسپورت‌های این ۷ مسافر، شماره پاسپورت ۶ نفر آنها با عدد ۲۰ شروع می‌شد. این شماره‌ها به این معنا است که پاسپورت‌ها برای فعالیت‌های رسمی دولتی در سفرهای خارجی و یا نیروی نظامی مستقر در خارج از کشور استفاده می‌شوند. رویترز نتوانست دقیقاً ارزیابی کند که این هفت نفر دقیقاً با چه هدفی به تهران سفر کرده‌بودند. یک مقام ارشد وزارت دفاع ایران گفت که کارشناسان موشکی روسیه از چندین کارخانه تولید موشک ایران بازدید کرده‌اند. این مقام ایرانی که به دلیل اظهارنظر در مورد مسائل حساس امنیتی خواستار پنهان ماندن هویتش شده‌بود در مورد محل دقیق تاسیسات بازدیدشده چیزی نگفت. یک مقام ارشد غربی که مسئولیت رصد همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه را بر عهده دارد، گفت که تعداد نامشخصی از کارشناسان موشکی روسیه ماه سپتامبر از یک پایگاه موشکی ایران در ۱۵ کیلومتری غرب بندر امیرآباد در ساحل دریای خزر بازدید کردند. ۷ کارشناس روس که توسط رویترز سفر آنها به ایران شناسایی شده‌است، همگی نظامیان با سابقه و صاحب منصب بودند که دو نفر از آنها سرهنگ و دو نفر سرهنگ دوم بودند. از میان این هفت نفر دو نفر متخصص سامانه‌های دفاع موشکی، سه نفر متخصص سامانه‌های توپخانه و راکت، یک نفر متخصص توسعه سلاح‌های پیشرفته و یک نفر دیگر فردی بود که در تاسیسات آزمایش موشک فعالیت می‌کرد. رویترز از طریق تلفن با هر ۷ نفر تماس گرفته‌است، اما هر هفت نفر کار کردن برای ارتش، سفر به تهران و یا هر دو را تکذیب کردند. یک نفر دیگر از اظهارنظر خودداری کرد و یک نفر هم گوشی را قطع کرد. وزارت خارجه و دفاع ایران حاضر به اظهارنظر در مورد این مقاله نشدند و روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم حاضر به پاسخگویی در این مورد نشد. وزارت دفاع روسیه هم پاسخی به درخواست ما برای اظهارنظر نداد. پنج متخصص تسلیحات روسی، از جمله دنیس کالکو ۴۸ ساله و وادیم مالوف ۴۶ ساله، طبق سوابق، به صورت گروهی برای پرواز آوریل رزرو شده بودند. سوابق مالیاتی سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که کالکو در آکادمی دفاع ضدهوایی نظامی وزارت دفاع کار می‌کرد. طبق سوابق مالکیت خودرو در سال ۲۰۲۴، مالوف در یک واحد نظامی که نیروهای موشکی ضدهوایی را آموزش می‌دهد، کار می‌کرد. آندری گوسوف ۴۵ ساله، الکساندر آنتونوف ۴۳ ساله و مارات خوسینوف ۵۴ ساله نیز برای پرواز آوریل رزرو شده بودند. گوسوف سرهنگ دوم است و به گزارش یک خبر در وبسایت این موسسه در سال ۲۰۲۱، به عنوان معاون رئیس دانشکده موشک‌ها و مهمات توپخانه‌ای با هدف عمومی در موسسه مهندسی توپخانه پنا وزارت دفاع کار می‌کند. طبق سوابق ثبت خودرو از سال ۲۰۲۴، آنتونوف در اداره اصلی موشکی و توپخانه‌ای وزارت دفاع کار کرده است. در حالی که داده‌های بانکی نشان می‌دهد که خوسینوف، سرهنگ، در میدان آزمایش موشکی کاپوستین یار کار کرده است. یکی از دو مسافر پرواز دوم به تهران در ماه سپتامبر، سرگئی یورچنکو ۴۶ ساله بود که طبق سوابق تلفن همراه بدون تاریخ، در اداره موشکی و توپخانه‌ای نیز کار کرده است. شماره گذرنامه اویشوند «۲۲» داشت؛ رویترز نتوانست مشخص کند که این نشان‌دهنده چیست، اگرچه طبق مصوبه دولت در مورد گذرنامه‌ها، برای شهروندان خصوصی با دیپلمات‌ها استفاده نمی‌شود. مسافر دیگر پرواز سپتامبر، اولگ فدوسوف ۴۶ ساله بود. سوابق محل اقامت، آدرس او را دفتر اداره تحقیقات پیشرفته بین‌سازمانی و پروژه‌های ویژه نشان می‌دهد. این شاخه‌ای از وزارت دفاع است که وظیفه توسعه سیستم‌های تسلیحاتی آینده را بر عهده دارد. طبق سوابق عبور از مرز روسیه که توسط رویترز مشاهده شده است، فدوسوف قبلاً در اکتبر ۲۰۲۳ از تهران به مسکو پرواز کرده بود. طبق این سوابق، فدوسوف در آن زمان و همچنین برای پرواز سپتامبر ۲۰۲۴، از گذرنامه خود که برای تجارت رسمی دولتی رزرو شده بود، استفاده کرد.

دیپلماسی
DIPLOMACY



ایران چه می‌خواهد؟

بررسی ریشه‌های منازعه ایران و غرب در کتاب جدید ولی نصر «استراتژی کلان ایران: تاریخچه‌ای سیاسی»



کریستوفر دی بلاجو

روزنامه‌نگار و مورخ

از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون به نظر می‌رسد که دست‌های کشیده ایران در همه بحران‌هایی که خاورمیانه را فرا گرفته‌است، دیده می‌شود. اسرائیل که چشم‌اندازش به حزب‌الله، متحد شیعه‌مذهب به شدت مسلح ایران در لبنان، دوخته شده‌بود، کاملاً برای حمله زمینی مهلک حماس از غزه ناآماده بود. حماس هم گروهی شبه‌نظامی است که توسط ایران پشتیبانی می‌شود. در همین احوال غرب هم پیش‌بینی نمی‌کرد که حوثی‌ها در یمن که فرض می‌شد که گروه بی‌نظم شبه‌نظامی هستند که زرادخانه بزرگ موشکی از تهران دریافت کرده‌اند، توانایی این را داشته‌باشند که حمل و نقل دریایی را در دریای سرخ تقریباً متوقف کنند. البته این منازعه‌ها که توسط متحدان منطقه‌ای ایران به راه افتاد، چندان برای رهبران ایران خوش‌یمن نبود. در میان ضربه‌هایی که به ایران وارد شد، می‌توان به ترور اسماعیل هنیه، رهبر سیاسی حماس در یک اقامتگاه دولتی در تهران در ماه ژوئیه ۲۰۲۴ اشاره کرد. این ترور به وضوح میزان نفوذی را که اسرائیل در نیروهای امنیتی ایران به دست آورده‌است نشان می‌داد. ضربه دیگر آسیبی بود که به حزب‌الله وارد شد و بخش بزرگی از فرماندهی ارشد این گروه از جمله رهبر شناخته‌شده‌اش حسن نصرالله، از میان برداشته شدند. در کنار اینها، اسرائیل گسترده‌ترین حمله هوایی را که تاکنون به ایران انجام داده‌است، عملیاتی کرد. بر اساس گزارش‌ها این عملیات دفاع هوایی ایران را تضعیف کرد. علاوه بر اینها، جمهوری اسلامی سقوط بشمار اسد، متحد نزدیک قدیمی‌اش را در سوریه نظاره کرد.

FOREIGN AFFAIRS

ولی نصر در کتاب «استراتژی کلان ایران: تاریخچه‌ای سیاسی» تلاش می‌کند مخاطب را با نحوه حکمرانی بین‌المللی در چندین دهه گذشته آشنا کند که باعث شد ایران موضع مخاطره‌آمیز کنونی‌اش را اتخاذ کند. نصر، به عنوان یک دانشگاهی کارکننده در حوزه ایران و خاورمیانه اینگونه استدلال می‌کند که دیدگاه راهبردی ایران بیش از اینکه ناشی از انگیزه‌های انقلابی برای صدور ایدئولوژی اسلامی باشد، برگرفته از درک ایران از امنیت ملی ریشه گرفته از رقابت‌های منطقه‌ای، تجربه‌های تاریخی و موج ضدامپریالیستی و ضداستعماری آشنای اواخر قرن بیستم است. به نوشته نصر «اسلام همچنان به عنوان زبان سیاست در ایران باقی مانده‌است» و ستون‌های مذهبی نظام راهی برای ایران است تا «منافع سیاسی و اقتصادی در داخل و منافع ملی در خارج را تعریف کند.» نصر معتقد است که «این اهداف در باطن سکولار هستند.» این کتاب کارآمد و آگاهی‌بخش که محصول رصد دقیق منابع کم‌تر دیده شده ایرانی است، در یک نقطه عطف بالقوه برای جمهوری اسلامی منتشر می‌شود. در شرایطی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، مصمم است تا سیاست «فشار حداکثری» دور نخست ریاست جمهوری خود را احیا کند، آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ۸۵ ساله ایران با یک دوراهی مواجه است: ایران می‌تواند در مقابل واشنگتن تسلیم شود که این موضوع می‌تواند باعث مرتفع شدن بخشی از تحریم‌ها شود اما لازمه آن یک توافق هسته‌ای بسیار سختگیرانه‌تر و تعدیل شدید سیاست خارجی تهاجمی ایران است، در برابر ایران می‌تواند به سمت ساخت سلاح هسته‌ای برود که نتیجه آن حملات پیشدستانه اسرائیل و آمریکا به ایران و احتمالاً جنگی بسیار فاجعه‌بار خواهد بود. اکتبر سال گذشته، یکی از مشاوران ارشد رهبر ایران اینگونه ادعا کرد که حمله اسرائیل علیه تاسیسات هسته‌ای ایران باعث می‌شود که رهبر معظم ایران در فتوای پیشین

عکس: Getty Images

خود مبنی بر منع ساخت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی تجدیدنظر کند. غرب برای اینکه به درستی درک کند ایران چگونه رفتار خواهد کرد، باید نگرش‌های کهنه به نظام ایران را کنار بگذارد و تلاش کند انگیزه‌های حقیقی رفتار و رویکرد ایران را درک کند. بسیاری از این انگیزه‌ها در رویدادهای گذشته خفته‌است.

سودای کرپلا

سال ۲۰۰۱ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یکی از منابع رسمی تاریخ‌نگاری اینگونه ادعا کرد که جنگ ۸ ساله‌ای که ایران در دهه ۱۹۸۰ علیه صدام حسین جنگید «دست‌کم برای چند دهه آینده تمامی مسائل داخلی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را» تحت تأثیر قرار خواهد داد. این دیدگاهی است که رهبر ایران بارها مورد تأکید قرار داده‌است. تحلیل‌گران غربی معمولاً جنگ ایران و عراق را کم‌اهمیت در نظر می‌گیرند. این کم‌اهمیت انگاشتن تاحدودی به این دلیل است که جنگ بدون پیروز تمام شد و البته به این دلیل است که آمریکا و متحدانش که از نظام دیکتاتوری بعثی صدام حسین حمایت کرده‌بودند، ۱۵ سال بعد برای احیای حیثیت از دست‌رفته خودشان مجبور شدند او را سرنگون کنند. علاوه بر این اپوزیسیون در تبعید ایرانی هم چندان نفعی در این نمی‌بیند که از ایستادگی قهرمانانه جمهوری اسلامی در مقابل همسایه مستبدش تمجید کنند. نصر در این کتاب جنگ ایران و عراق را به جایگاه اصلی خودش به عنوان یک رویداد تعیین‌کننده در ایران پس از انقلاب باز می‌گرداند. او استدلال می‌کند که منازعه وحشتناک، طولانی و فرسایشی میان دو کشور که یک میلیون نفر از هر دو طرف را به کام مرگ کشاند، زمینه‌ساز فرهنگی بود که رفتار ایران را در بخش بزرگی از سه‌ونیم دهه پس از آن از جمله در شرایط کنونی رقم زد. به اعتقاد نصر این فرهنگ ریشه در چشم‌اندازی دارد که اختلاطی از «وحشت از محاصره و جاه‌طلبی‌های فوق‌العاده بزرگ» است. این ترکیب باعث شده‌است که تهران در سراسر خاورمیانه از نیروهای نیابتی و مشتریانش در کنار ابزارهای غیرمقتارن استفاده کند تا بتواند دشمنان مجهزتر مانند اسرائیل و آمریکا را شکست دهد. برای صدام، انقلاب ۱۹۷۹ ایران به مثابه یک فرصت بود. صدام حسین مشاهده کرد که چگونه شاه تحت حمایت آمریکا در ایران سقوط کرد، انقلابیون ایران به سفارت آمریکا حمله‌ور شدند و ۵۰ آمریکایی را گروگان گرفتند و بحران دیپلماتیک در روابط خارجی ایران ایجاد کردند. رهبر عراق موقعیت را مناسب دید تا به ایران حمله کند، سرزمین‌های جدید فتح کند، عرب‌های ایران را از «سلطه فارس‌ها» نجات دهد و دست حکومت دینی ایران را که از اکثریت شیعه عراق می‌خواست تا حکومت سنی این کشور را سرنگون کنند، بپیچاند. اما تهاجم نظامی صدام

که در سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد، اثرناخواسته‌ای داشت و آن هم تقویت نظام روحانیون حاکم بر ایران بود. برای ایرانی‌ها نزدیک به دو سال طول کشید تا بتوانند سرزمین‌های اشغال شده توسط عراق در حمله ابتدایی را پس بگیرند و دشمن را به پشت شط‌العرب به عقب برانند. در همین مدت حکومت ایران لیبرال‌ها و چپ‌ها را کاملاً سرکوب کرده‌بود، ارتشی را که از شاه به ارث برده‌بود با نیروی جدیدی به نام سپاه پاسداران تکمیل کرد و البته با نگاهی تحقیرآمیز هم از شوروی و هم از آمریکا فاصله گرفته‌بود. وقتی یک روزنامه‌نگار پاکستانی از آیت‌الله خمینی پرسید که مزایای انقلاب در ایران چه بود؟ پاسخ شنید: «حالا دیگر همه تصمیم‌ها در تهران گرفته می‌شود.» غرب، بلوک شرق و بخش بزرگی از جهان عرب، با این نگرانی که رادیکالیسم [آیت‌الله] خمینی مسری باشد، پشت صدام جمع شدند. فرانسه به او جت‌های جنگنده میراژ فروخت، دولت ریگان به او اطلاعات محرمانه داد و روسیه برایش تانک و موشک تامین کرد. او از عربستان سعودی معادل میلیاردها دلار وام و جیره سربرازان دریافت کرد. در برابر، ایران که تقریباً تحت تحریم کامل تسلیحاتی بین‌المللی قرار داشت، مجبور شد که بیشتر روی خودکفایی، تعصب مذهبی و میهن‌پرستی تکیه کند. حدود دو دهه پیش زمانی که با برخی از کهنه‌سربازان جنگ ایران و عراق مصاحبه می‌کردم، دریافتم که تعصب مذهبی تا چه اندازه کارآمد بوده‌است. زنان جوان ایرانی عاقدانه از میان سربازانی که به شکل مرگباری توسط سلاح‌های شیمیایی عراق مسموم شده‌بودند، همسر بر می‌گزیدند. این سلاح‌های شیمیایی با موادی با کاربرد دوگانه تولید شده‌بود که آلمان، آمریکا و بریتانیا در اختیار صدام قرار می‌دادند. برخی از رزمندگان پیشین که من با آنها در شهر اصفهان گفت‌وگو می‌کردم، میان گفت‌وگو به سرفه می‌افتادند، صورت‌شان سرخ می‌شد و نفس تنگی می‌گرفتند. گازی که دهه‌ها پیش تنفس کرده‌بودند، به تدریج داشت آنها را از بین می‌برد. از تابستان سال ۱۹۸۲، آنچه نظام ایران نام «دفاع مقدس» به آن داده‌بود، به یک عملیات تهاجمی تبدیل شد و نیروهای ایرانی از شط‌العرب عبور کردند. در نهایت، نزدیک به یک دهه نبرد با دشمنی که بسیار مجهزتر است تا نیم میلیون کشته برای ایران برجا گذاشت و نیروهای ایرانی نتوانستند صدام را سرنگون کنند و بیا هیچ سرزمینی را در خاک عراق به شکل دائمی تصرف نکنند. هدف جدید جنگ، به گفته رهبران ایران محو اسرائیل و الهام‌بخش بودن برای ملت‌های سنی منطقه بود تا علیه رهبران تحت حمایت غرب خودشان به پا بیزند. یک شعار رایج میان جوانان داوطلب ایرانی این بود که «راه قدس از کربلا می‌گذرد». اما واقعیت این بود که راه قدس از لبنان می‌گذشت؛ جایی که حزب‌الله، گروه شبه‌نظامی شیعه سال ۱۹۸۲ توسط ایران شکل گرفت و با نیروهای اشغال‌گر اسرائیلی

کتاب
دیپلماسی

